

سهم عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش‌دبستانی

زهرا غیاثوند

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

چکیده

محیط خانواده، مساعدترین مکان برای رشد کودک و تعالی فکری و جسمی اوست. هدف پژوهش حاضر بررسی سهم عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش‌دبستانی منطقه ۱ شهر تهران بود. پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی همبستگی است. جامعه آماری شامل کودکان پیش‌دبستانی منطقه یک شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند، عملکرد خانواده FAD و پرسشنامه اضطراب اسپنس استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. نتایج نشان داد، بین عملکرد خانواده و سبک‌های فرزند پروری مادر با اضطراب کودکان رابطه وجود دارد. با توجه به ارتباط عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش‌دبستانی پیشنهاد می‌شود آموزش‌های لازم در خصوص سبک‌های فرزندپروری به‌خصوص سبک مقتدرانه به مادران ارائه گردد که منجر به کاهش اضطراب در کودکان شود.

کلیدواژه‌ها: اضطراب، عملکرد خانواده، سبک فرزندپروری

مقدمه

دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت^۱ فرد پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد (تر،^۲ ۲۰۰۳). اهمیت سن قبل از دبستان، مورد تأکید و توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و روانشناسان رشد کودک واقع شده است. آنها بر این باورند که کودک قبل از ۵ سالگی به ۸۰ درصد رشد نهایی خود می‌رسد (اسپروینی، ۱۳۹۱). گزل^۳ (۲۰۰۶) معتقد است کودکان از سن ۵ تا ۶ سالگی نسخه کوچک فردی هستند که در آینده خواهند بود؛ به عبارت دیگر وی بیشترین تأکید را بر اهمیت دوران پیش‌دبستانی^۴ دارد و سهم حیاتی این دوره را در شکل‌گیری نظام رفتاری کودکان و بروز مشکلات رفتاری آنها خاطر نشان می‌کند (گزل، ۲۰۰۶، به نقل از اسعدی، ۱۳۹۲). دوران پیش‌دبستانی مناسب‌ترین زمانی است که والدین می‌توانند ثبات و هماهنگی را در تربیت فرزندان خود بیاموزند، آن را تجربه کرده و تداوم دهند تا موجبات رشد و شکوفایی فرزندان خود را فراهم کنند (کالانان و همکاران^۵، ۱۹۹۲). عملکرد خانواده به‌عنوان تامین‌کننده سلامت جسمی و روانی اعضا خانواده می‌باشد (شولز و شرود^۶، ۲۰۰۸). تامین غذا، بهداشت و جو مناسب عاطفی و روانی، شرایط را برای رشد و شکوفایی افراد فراهم می‌سازد. از سوی دیگر علاوه بر توجه به مسائل عاطفی افراد خانواده و تامین نیازهای روانی آنها، اعمال شیوه‌های ارتباطی مناسب، آموزش شیوه‌های مواجهه با مشکلات افرادی که از لحاظ روانی در وضع نامناسبی قرار گرفته‌اند را نیز برعهده دارد (برشتاین و مری لن^۷، ۲۰۰۱، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۹). خانواده با فراهم کردن محیط مساعد، امکانات و شرایط مناسب و نظارت بر تربیت و آموزش فرزندان چنین کارکردی را مهیا می‌سازد (پرچم، فاتحی زاده و اله یاری، ۱۳۹۱). تاثیر خانواده به‌عنوان اولین و موثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان امری بدیهی و مشخص است و تردیدی نیست که خانواده به‌عنوان قوی‌ترین سیستم پایه‌ریزی و شکل‌گیری شخصیت و فرایندهای درونی فرزند تاثیر عمیق و به‌سزایی دارد و آنها را شکل می‌دهد. بسیاری از ویژگیهای شخصیتی کودک تحت تاثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین است (پارسا، ۱۳۹۱).

متخصصان و روان‌شناسان کودک علت بسیاری از نابهنجاری کودکان را روابط خانوادگی و روش‌های فرزندپروری والدین می‌دانند و بر تاثیر وقایع و رویدادهای دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت افراد زندگی آینده آنها تأکید می‌کنند (ملکشاهی و فرهادی، ۱۳۸۷). بدیهی است که هر گونه ضایعه و نارسایی در بهداشت جسمی و روانی و در نتیجه کاهش توانایی‌های این گروه سنی، به گونه‌ای غیرقابل اجتناب به کاهش پیشرفت تحصیلی^۸ در سال‌های بعد می‌انجامد و در درازمدت بر سلامتی آحاد جامعه اثر منفی می‌گذارد به طوری که بسیاری از آسیب‌های روانی دوران بزرگسالی، ادامه مشکلات دوران کودکی و نوجوانی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). خانواده‌ها در پرورش فرزندان خود، سبک‌های فرزندپروری متفاوتی را به کار می‌گیرند. سبک‌های فرزندپروری، به معنی روش‌ها و الگوهای نسبتاً پایدار والدین برای ارتباط اعضای خانواده است و جریان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل را فراهم می‌آورد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند^۹، ۱۹۹۱، به نقل از اسپروینی، ۱۳۹۱). سبک‌های فرزندپروری عبارت است از: ۱- مقتدرانه^{۱۰}، ۲- مستبدانه^{۱۱}، ۳- آسان‌گیرانه^{۱۲} (جانسون و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۲). در سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین

¹ Character

² Terr

³ Gezel

⁴ Preschool

⁵ Callanan et al

⁶ Schulz & Sherwood

⁷ Bereshtun & Mery Lan

⁸ Achievement

⁹ Bamrind

¹⁰ Authoritative

¹¹ Authoritarian

¹² Permissive

¹³ Johnson et al

دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ دهی بوده و فرزندان آنان اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت هستند و مشکلات رفتاری اندکی را نشان می دهند. در سبک فرزندپروری مستبدانه، والدین سطح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ دهی را اعمال می کنند. آنها از فرزندان خود انتظار اطاعت داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را تنبیه می کنند و سبک فرزندپروری آسان گیرانه، والدین برخلاف والدین سخت گیر، بسیار پاسخ دهنده بوده و اجازه خودگردانی به کودکان می دهند و آنان را ملزم به انجام رفتار رشد یافته نمی کنند (اسعدی، ۱۳۹۲). تحقیقات پیرامون آسیب‌های روانی کودکان نشان می دهد که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشا ترس^{۱۴}، پرخاشگری^{۱۵}، عدم اعتماد، احساس نارضایتی و اضطراب^{۱۶} در فرزندان آنها می‌شود، استفاده می کنند (سادوک و سادوک^{۱۷}، ۱۹۹۹، ترجمه رفیعی، ۱۳۹۴). اضطراب از جمله متغیرهایی است که احتمال می رود با سبک‌های فرزندپروری و عملکرد خانواده رابطه معناداری داشته باشد (لی و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۸). اضطراب عبارت از یک احساس منتشر و بسیار ناخوشایند و اغلب مبهم دلوایسی است و یا واکنش در مقابل خطری نامعلوم درونی، مبهم و از نظر منشأ همراه با تعارض است که این علایم هنگام اضطراب بین افراد متفاوت است (سادوک و سادوک، ۲۰۱۳، ترجمه رضاعی، ۱۳۹۳). اضطراب در کودکان به صورت متفاوت جلوه گر می‌شود. بعضی کودکان اضطراب خود را از طریق دلوایسی مداوم درباره ناراحتی که ممکن است برای خود یا خانواده شان رخ دهد نشان می دهند. بعضی دیگر اضطراب اجتماعی و عده‌ای هم ترس غیرواقعی از خود بروز می دهند. کودکان مضطرب اغلب کودکانی ساکت، عصبی، شاکلی، ناراضی و کم طاقت هستند و اغلب درباره همه چیز مشکل دارند (بسدو و همکاران^{۱۹}، ۲۰۰۹). تداوم اضطراب در کودکان منجر به بروز مشکلاتی از قبیل نداشتن رابطه دوستی با دیگران، شکست‌ها و ضربه‌های اجتماعی و کمبود شدید اعتماد به نفس در آینده خواهد شد. اختلالات اضطرابی در عملکرد روزانه کودکان مداخله می‌کند و دخترها اغلب به طور احتمالی دو برابر نسبت به پسرها اختلال اضطرابی را تجربه می کنند (کاظمی، ربیعی و محمودی، ۱۳۸۹). با توجه به مطالب فوق به نظر می رسد خانواده در رشد و شکل گیری شخصیت کودک نقش قابل توجهی دارد و نوع روابط والدین با هم و با فرزندان، توجه به نیازهای یکدیگر و شرایط عاطفی حاکم بر خانواده (عملکرد خانواده) می تواند از طریق روش‌های فرزندپروری والدین به ویژه مادر در شرایط جسمی و روانی فرزندان نمود پیدا کند، نظر به اینکه کودکان پیش‌دبستانی اولین قدم‌ها را برای اجتماعی شدن برداشته‌اند این که در روابط با همسالان و بزرگسالان (به غیر از اعضا خانواده) چگونه عمل کنند به میزان زیادی به آنچه در خانواده آموخته‌اند و با آنها رفتار شده است مربوط می‌شود. رفتار همراه با امنیت و جسارت یا احساس ناامنی و اضطراب کودکان قابل بررسی است. بدین ترتیب هر چه ویژگی‌های روانی و عاطفی والدین سالم تر باشد انتظار می رود تعامل آنان با فرزندانشان سالم تر و بهنجارتر باشد و در نتیجه کودکان با اختلال کمتری مواجه خواهند بود؛ بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد در نهایت به این سوال کلی پاسخ دهد که سهم عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش‌دبستانی تا چه اندازه است؟

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را جامعه آماری این پژوهش کودکان پیش‌دبستانی منطقه یک شهر تهران است که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در مهدهای کودک دارای پیش‌دبستانی ثبت نام کرده‌اند؛ می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر)، انتخاب شدند. از بین مهد کودک دارای پیش‌دبستانی تعداد ۳۰ مهد کودک به صورت تصادفی انتخاب شد و از هر مهد کودک به طور تصادفی ۵ کلاس انتخاب و مادران این کودکان جزء گروه نمونه قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۲۲ نرم‌افزار SPSS انجام

¹⁴ fear

¹⁵ Aggression

¹⁶ Anxiety

¹⁷ Sadock & Sadock

¹⁸ Lee et al

¹⁹ Beesdo et al

شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس‌های فرزندپروری بامریند، عملکرد خانواده (FAD)، اضطراب کودکان اسپنس بودند.

مقیاس سبک فرزندپروری بامریند: این پرسشنامه اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط Baumrind طراحی و توسعه داده شد. این مقیاس دارای ۳۰ گویه و سه زیرمقیاس است. ۱۰ گویه به زیر مقیاس شیوه ی سهل انگارانه، ۱۰ گویه به شیوه ی استبدادی و ۱۰ گویه دیگر به شیوه دموکراتیک و الدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. نمره گذاری ابزار در مقیاس ۵ درجه‌ای انجام می‌شود و با جمع نمرات، سه نمره‌ی مجزا در مورد سهل گیرانه (مواد ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸)، استبدادی (مواد ۲، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹) و دموکراتیک (۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰) بدست می‌آید. در ایران این پرسشنامه توسط اسفندیاری و بینم مورد استفاده قرار گرفته و پایایی با آزمایی این پرسشنامه را برای زیر مقیاس سهل گیرانه ۰/۶۹، برای استبداد ۰/۷۷ و دموکراتیک ۰/۷۳ گزارش گردیده است (رحمانی و نعیمه، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر نیز پایایی ابزار به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه و برای سبک سهل گیرانه ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و برای دموکراتیک ۰/۷۳ به دست آمد.

مقیاس عملکرد خانواده (FAD): این پرسشنامه توسط مک مستر (۱۹۹۶) ساخته شده است و دارای ۵۹ سوال می‌باشد. این مقیاس شامل ۷ خرده مقیاس است که خرده مقیاس عملکرد کلی را نیز که شامل ۱۲ آیتم است، در بر می‌گیرد. ۶ خرده مقیاس عملکرد باقی مانده ۶ بعد حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی را ارزیابی می‌کند. در پژوهش امینی ضرایب آلفای کل مقیاس و خرده مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی به ترتیب، ۰/۶۱، ۰/۳۸، ۰/۷۲، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۸۱ و گزارش شده است. آلفای گزارش شده از سوی پشنتاین برای خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ی ۰/۷۲ و نقش‌ها تا ۰/۹۲ کارکرد کلی و در مطالعه ثنایی روی دانشجویان ایرانی در دامنه ۰/۴۲ و نقش‌ها تا ۰/۷۴ کارکرد کلی و ۰/۹۱ برای کل مقیاس، گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز مقدار پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شد.

مقیاس اضطراب کودکان اسپنس (PAS): مقیاس اضطراب کودکان اسپنس - نسخه والدین (۱۹۸۰)، ۳۹ سوال است که این مقیاس سطح اضطراب کودکان را می‌سنجد. نمره گذاری براساس مقیاس ۴ درجه ای لیکرت (هرگز (۰)، گاهی اوقات (۱)، اغلب (۲)، همیشه (۳) تنظیم شده است و ۶ مقیاس اضطراب جدایی، ترس اجتماعی (فوبیا)، اضطراب فراگیر، حملات هراس و ترس از فضای باز، وسواس فکری و عملی و ترس از آسیب فیزیکی را می‌سنجد. پایایی این مقیاس برای اضطراب فراگیر برابر ۰/۹۲ و برای سایر خرده مقیاس‌ها ۰/۶۰ تا ۰/۸۲ گزارش شده است (اسپنس و همکاران، ۲۰۰۳). در ایران نیز موسوی و همکاران پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند (موسوی و همکاران، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر نیز مقدار پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با توجه به فرضیه‌های تدوین شده، با کمک نرم‌افزار SPSS²⁰ از ضریب رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ اطلاعات توصیفی نمونه پژوهش را نشان می‌دهد. مشخص شد که از بین مادران کودکان پیش‌دبستانی شرکت کننده در پژوهش ۵۲ درصد (۱۰۴ نفر) دارای تحصیلات دیپلم و پایین تر، ۲۶ درصد (۵۲ نفر) دارای تحصیلات، کاردانی، ۱۵ درصد (۳۰ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۵ درصد (۳۰ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی، ۷ درصد (۱۴ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. همچنین بررسی‌های انجام شده بر روی ماران شرکت کننده در پژوهش بیانگر این بود که از ۷۷ درصد (۱۵۴ نفر) خانه دار و ۲۳ درصد (۴۶ نفر) خانه دار بودند. جدول ۱ نشان دهنده آمار توصیفی متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد سوال	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
اضطراب کودکان	۳۹	۴۹/۸۲	۱۰/۲۹	-۰/۳۳۰	-۰/۴۴۲	-	-
عملکرد خانواده	۵۹	۱۷۱/۹	۳۲/۶۳	-۰/۶۶۷	-۰/۷۰۳	۰/۷۴۱	۱/۳۵۰
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۱۰	۲۲/۸۸	۶/۶۳	-۰/۹۶۷	-۰/۱۱۰	۰/۶۵۲	۱/۱۵۳۳
سبک فرزند پروری مستبدانه	۱۰	۲۴/۲۶	۶/۳۵	-۰/۸۲۲	-۰/۲۷۲	۰/۵۴۷	۱/۸۲۸
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۱۰	۲۴/۵۶	۷/۰۸	-۱/۰۵۸	-۰/۲۱۹	۰/۵۹۳	۱/۶۸۶

بررسی‌ها نشان داد که توزیع داده‌ها در همه متغیرها نرمال است. این مسأله با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد که نتایج نشان دهنده معنادار نشدن این آزمون و تأیید پیشفرض مربوط به نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد. جهت بررسی اینکه بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک رابطه سلسله مراتبی وجود دارد از رگرسیون چندمتغییری سلسله مراتبی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. رگرسیون چندمتغییری سلسله مراتبی در پیش‌بینی اضطراب کودکان براساس عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری مادر

گام	متغیر	b	S.E	β	t	sig	R^2	R^2 Adjuste
مرحله اول	عملکرد خانواده	-۰/۱۵۳	۰/۰۲۰	-۰/۴۸۵	-۷/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۲۳۵	۰/۲۳۱
		$F(1, 198) = 60.77$						
		$P < 0.0001$						
مرحله دوم	عملکرد خانواده	-۰/۱۳۲	۰/۱۹	-۰/۴۱۸	-۶/۸۹	۰/۰۰۱	۰/۳۱۴	۰/۳۰۷
	سبک فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۴۲۰	۰/۰۸۸	-۰/۲۸۹	-۶/۷۶	۰/۰۰۱		
		$F(1, 197) = 45.11$						
		$P < 0.0001$						
مرحله سوم	عملکرد خانواده	-۰/۱۴۷	۰/۰۱۹	-۰/۴۶۴	-۷/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۳۶۴	۰/۳۵۵
	سبک فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۱۱۱	۰/۱۱۶	-۰/۲۷۶	-۳/۵۹	۰/۰۰۱		
	سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۴۹۴	۰/۱۲۵	۰/۳۰۵	۳/۹۴	۰/۰۰۱		
		$F(1, 196) = 37.43$						
		$P < 0.0001$						
مرحله چهارم	عملکرد خانواده	-۰/۰۸۹	۰/۰۱۹	-۰/۲۸۳	-۴/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۴۹۶	۰/۴۸۵
	سبک فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۴۰۸	۰/۱۱۱	-۰/۲۸۱	-۳/۶۶	۰/۰۰۱		

سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۷۰۳	۰/۱۱۶	۰/۴۳۵	۶/۰۸	۰/۰۰۱
فرزند پروری سهل گیرانه	-۰/۷۶۰	۰/۱۰۷	-۰/۴۹۰	-۷/۱۳	۰/۰۰۱
	$F(1, 195) = 47/92$				$P < 0/0001$

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در گام اول ۲۳ درصد از واریانس اضطراب کودکان بطور معناداری توسط متغیر عملکرد خانواده تبیین می‌شود. در گام دوم با اضافه شدن سبک فرزند پروری مقتدرانه به مدل، ۳۱ درصد از واریانس اضطراب کودکان بطور معناداری توسط متغیرهای عملکرد خانواده و سبک فرزند پروری مقتدرانه تبیین می‌شود. همچنین در گام سوم با اضافه شدن سبک فرزند پروری مستبدانه به مدل، ۳۵ درصد از واریانس اضطراب کودکان بطور معناداری توسط متغیرهای عملکرد خانواده، سبک فرزند پروری مقتدرانه و سبک فرزند پروری مستبدانه تبیین می‌شود. در گام چهارم با اضافه شدن سبک فرزند پروری سهل گیرانه به مدل، ۴۸ درصد از واریانس اضطراب کودکان بطور معناداری توسط متغیرهای عملکرد خانواده، سبک فرزند پروری مقتدرانه، سبک فرزند پروری مستبدانه و سبک فرزند پروری سهل گیرانه تبیین می‌شود. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۲ سوال "آیا عملکرد خانواده و سبک‌های فرزند پروری مادر با اضطراب کودکان رابطه دارد" در سطح ۹۹ درصد اطمینان مورد تایید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی سهم عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش‌دبستانی منطقه ۱ شهر تهران بود. یافته‌های بدست آمده نشان نشان داد که عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری مادر با اضطراب کودکان رابطه دارد؛ بنابراین می‌توان گفت، پیش‌بینی اضطراب کودکان بر اساس عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری مادر با توجه به اینکه عملکرد خانواده بیشترین میزان همبستگی را با اضطراب کودکان داشته است.

همچنین نتایج بدست آمده بیانگر این است که عملکرد خانواده قدرتمندترین متغیر پیش بین کننده اضطراب کودکان می‌باشد و این متغیر ممکن است نقش واسطه‌ای (میانجی) بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب کودکان داشته باشد و نکته دیگر اینکه سبک فرزندپروری مقتدرانه در مقایسه با سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه همبستگی منفی قوی تری با اضطراب کودکان دارد که بیانگر این است سبک فرزندپروری مقتدرانه نقش تعیین کننده بیشتری در رابطه با اضطراب کودکان دارد و با توجه به اینکه اثر این سبک فرزندپروری در اضطراب کودکان منفی می‌باشد بیانگر این است که با افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه اضطراب کودکان کاهش یافته زیرا کودکان والدین آنها از این سبک برای فرزندپروری استفاده می‌کنند و می‌دانند که والدین آنها از آنها چه می‌خواهد و کاملاً پیگیر انتظارات از فرزند می‌باشند و این روشن و واضح بودن انتظارات والدین و پیگیری آنها می‌تواند در کاهش اضطراب کودکان موثر باشد.

این یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های دوستی و هدایتی همدانی (۱۳۹۵)، پژوهش گلگلی و همکاران (۱۳۹۴) فرخجسته و اللهیاری (۱۳۹۳) مقصودی و همکاران (۱۳۹۳) در داخل کشور و همچنین با نتایج پژوهش‌های ولفرت و همکاران (۲۰۰۷)، کاتانین^{۲۰} (۲۰۰۱) و تحقیقات انجام گرفته توسط لوی در سال (۲۰۰۴)، به نقل از اسپروینی، (۱۳۹۱) همسویی دارد. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان گفت هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرند. این سبکها متأثر از عوامل بسیاری از جمله فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند. سبک‌های فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای مشخصی است که کودک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند، در مورد قواعد و رفتارها با فرزندانشان مشارکت می‌کنند و پیشنهادهای آنها همراه با اجبار نیست. آنها بر رفتارهای فرزندانشان کنترل جدی اعمال می‌کنند و در این حال، نظر فرزندانشان را می‌شنوند و حتی گاه بر طبق نظر آنها رفتار می‌کنند.

²⁰ Katanin

کنند. این والدین در برابر فرزندان خود احساس مسئولیت و انتظارات بالا و صریح دارند و رفتار فرزندان را هدایت می کنند. از طرف دیگر، والدین مستبد اطاعت بی چون و چرا و مبادله یک طرفه افکار را می خواهند و در رفتار و منش خود انعطاف ناپذیرند. سخت گیری این والدین، به واسطه ایجاد حالات روانی منفی، باعث می شود فرزندان احکام آنها را نپذیرند. والدین سهل گیر مطالبات کمتری دارند و نظارت تربیتی آنان بسیار کم است. آنها صمیمی و پاسخگو هستند، اما انتظارات روشنی ندارند و رفتار فرزندان را هدایت نمی کنند. شیوه فرزندپروری مقتدرانه، موثرترین روش فرزندپروری است و کودکان والدینی که سبک فرزندپروری آنها مستبدانه و سهل گیرانه است، همواره مشکلاتی از جمله اضطراب بیشتری نشان می دهند. این اضطراب ناشی از برخورد مستبدانه یا سهل گیرانه والدین هستند و ممکن است به افزایش سطح اضطراب فرزندپروری والدین بیانجامد. والدینی که فرزندپروری سهل گیرانه دارند، غالباً به پذیرش فرزندان خود متمایلند اما در مواردی که این احساس پذیرش وجود ندارد، اضطراب فرزندپروری آنها افزایش می یابد. والدین مستبد نیز با افراط در عدم پذیرش، انعطاف پذیری قوانین و تلاش برای کنترل بیشتر فرزندان بر شدت اضطراب فرزندپروری خود می افزاید.

در این پژوهش نیز همانند پژوهش‌های دیگر محدودیت‌هایی از قبیل استفاده از پرسشنامه به منظور زمینه‌یابی وجود داشت که بر اساس آنها پیشنهادها نیز ارائه شد، در نتیجه ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده و پاسخ غیر واقعی داده باشند. پیشنهاد می شود که در پژوهش‌های آتی از مصاحبه نیز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شود. نتایج پژوهش حاضر قابل تعمیم به مادران دارای کودکان پیش‌دبستانی منطقه یک شهر تهران است. در صورت نیاز به تعمیم سایر شهرها و سایر مناطق با احتیاط و دانش کافی این کار صورت بگیرد. پیشنهاد میشود که انجام پژوهش با حجم نمونه بزرگتر و محدود جغرافیایی وسیع تر انجام گیرد تا ادبیات متراکم و منسجمی در خصوص نحوه بهکارگیری متغیرهای ذکر شده فراهم آید.

منابع

۱. اسپروینی، فرشته (۱۳۹۱). رابطه بین سبک فرزندپروری والدین و کارکرد خانواده با مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
۲. برشتاین، روبرت و مری لن، گیراند (۲۰۰۱). وابستگی سالم. ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۸۹). تهران: نشر پیک بهار.
۳. پارسا، محمد (۱۳۸۷). زمینه نوین روان شناسی. تهران: نشر بعثت.
۴. پرچم، الهه، فاتحی زاده، مریم، و اله یاری، حمید (۱۳۹۱). مقایسه سبک های فرزندپروری بامریند با سبک های فرزندپروری مسئولانه در اسلام. مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. دوره ۱۴، شماره ۱، ۱۳۸-۱۱۵.
۵. حسینی، حبیب، خلیلیان، الهه و واحدی، وحید (۱۳۹۰). گزیده ای از آسیبهای روانی در دانش آموزان دبیرستانی شهر ساری. مجله دانشگاه علمی مازندران. دوره ۴۴، شماره ۳، ۶۰-۸.
۶. دوستی، پیمان و هدایتی، سپیده (۱۳۹۵). ارتباط بین عملکرد خانواده و اضطراب دانش آموزان کلاس اول دبستان، مجله سلامت و مراقبت. سال ۱۸، شماره اول، ۱۶-۷.
۷. رحمانی، پریرسا، و محب، نعیمه. (۱۳۹۰). بررسی شیوه های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۴(۱۳)، ۶۷-۷۷.
۸. سادوک، بنجامین جیمز و سادوک، برجینیا الکوت (۲۰۱۳). خلاصه روانپزشکی بالینی. ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات ارجمند.
۹. سادوک، بنجامین جیمز و سادوک، برجینیا الکوت (۱۹۹۹). خلاصه روانپزشکی. ترجمه حسن رفیعی (۱۳۹۴). تهران: انتشارات ارجمند.

۱۰. فرخجسته، وحیده السادات و اللهیاری، عباسعلی (۱۳۹۳). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری مادران با اضطراب اجتماعی کودکان و مولفه های آن. دو فصلنامه پژوهش های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده. دوره ۲، شماره ۲، ۱۵۵-۱۳۴.
۱۱. کاظمی، محمد، ربیعی، مهدیس و محمودی، سعید (۱۳۸۹). اثربخشی موسیقی بر کاهش لکنت زبان و اضطراب در کودکان دبستانی. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی. دوره ۹، شماره ۳، ۶۴-۵۹.
۱۲. گلگلی، فرشته؛ مامی، شهرام و باقری، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک های فرزند پروری و رضایت زناشویی با اضطراب در میان کودکان پیش دبستانی شهر ایلام. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز. دوره ۱، شماره ۱، ۱۳-۱.
۱۳. مقصودی، سوده، درویشی، سعیده و امیرآبادی، مریم (۱۳۹۳). رابطه شیوه های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی. فصلنامه خانواده پژوهشی. سال اول، شماره ۴، ۱۶-۱.
۱۴. ملکشاهی، فرزانه و فرهادی، عادل (۱۳۸۷). بررسی شیوع مشکلات کودکان پیش دبستانی شهرستان خرم آباد ۱۳۸۵. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان. دوره ۱۰، شماره ۱، ۶۱-۵۷.
۱۵. موسوی، مرادی؛ مهدوی هرسینی، سید اسماعیل (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی خانواده درمانی ساختاری در بهبود عملکرد خانواده و تقویت رضایت زناشویی در خانواده های کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی. خانواده پژوهی، ۴(۱).

16. Katanin, S. (2001). "Childhood temprement and mother's child rearing attitude". *European Journal of personality*;11.249-265.
17. Terr, L. C. (2003). Childhood traumas: An outline and overview. *Focus*, 1(3), 322-334.
18. Callanan, M. A., & Oakes, L. M. (1992). Preschoolers' questions and parents' explanations: Causal thinking in everyday activity. *Cognitive development*, 7(2), 213-233.
19. Schulz, R., & Sherwood, P. R. (2008). Physical and mental health effects of family caregiving. *Journal of Social Work Education*, 44(sup3), 105-113.
20. Johnson, R., Welk, G., Saint-Maurice, P. F., & Ihmels, M. (2012). Parenting styles and home obesogenic environments. *International journal of environmental research and public health*, 9(4), 1411-1426.
21. Lee, D. W., Kim, J. G., & Yang, Y. M. (2018). The influence of parenting style on child behavior and dental anxiety. *Pediatric dentistry*, 40(5), 327-333.
22. Beesdo, K., Knappe, S., & Pine, D. S. (2009). Anxiety and anxiety disorders in children and adolescents: developmental issues and implications for DSM-V. *Psychiatric Clinics*, 32(3), 483-524.